



چند و چونی پیرامون روایتگری جنگ در گفت و گو با متولیان و پژوهشگران به مناسبت هفته پژوهش

استمرار دفاع مقدس در عملیات پژوهشی

اسماعیل علوی
 دبیر گروه پایداری

هزار چندی، بخشی از منن و روایتی منتشر شده در ارتباط با تاریخ جنگ، مورد نقد و احیاناً انکار فرد یا افرادی از حضاران در جبهه‌ها و مطلعین و مرتبطین با موضوع قرار گرفته و گزاره متفاوتی از آن واقع ارائه و برای آن شواهدی نیز اقامه می‌شود. این موارد، بعضاً روایتگری جنگ را در معرض آسیب و اتهام غفلت از نقش جمعی و غلو پیرامون تأثیر گروهی دیگر در وقایع انتقاییه یا یکسویه‌نگری نسبت به مسائل دوران دفاع مقدس قرار می‌دهد؛ به‌طوری که اصالت برخی روایت‌ها را مورد تشکیک قرار داده و این سؤال را پیش می‌کشد که برای دستیابی به صدق و صحت روایت‌ها به چه نهادی می‌توان مراجعه کرد و گفته آن را معیار قرار داد؟ این پرسش آن هنگام اهمیت بیشتری می‌یابد که تشکیلات متعددی متولی و دست‌اندرکار تدوین و تبیین تاریخ دوران دفاع مقدس بوده و بر این اساس، گاهی برای یک واقعه، چند روایت نقل شده است. برخی از این موارد به دلیل خرده‌روایت بودن اهمیت تعیین‌کننده‌ای ندارند و ممکن است دلیل آن بی‌دقتی در نقل مطالب و ناشی از فراموشی باشد. اما گاهی در سطح کلان و تأثیرگذار، روایت‌های معارضی از یک واقعه نقل می‌شود که ممکن است در یک فرایند تحلیلی آسیب‌هایی را متوجه دستاوردها و ارجمندی‌های دوران پرافتخار دفاع مقدس کند. در این ارتباط برای یافتن پاسخ این پرسش و سایر پرسش‌های مرتبط، سراغ دست‌اندرکاران و پژوهشگران فعال در حوزه تاریخ دفاع مقدس رفته و سوالات خود را با آنان در میان گذاشته‌ایم که بتدریج در صفحه پایداری «ایران» انتشار می‌یابد. در این شماره سوالاتی را در این باب به‌طور مشترک با آقایان «حسن علایی فعال» یکی از مدیران فعلی مرکز اسناد دفاع مقدس و ایسته به سپاه پاسداران، «محمدصادق درویشی» پژوهشگر تاریخ جنگ و «سردار عباس پایرامی» رئیس سازمان تاریخ و ادبیات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در میان گذاشته‌ایم که پاسخ ایشان را می‌خوانید.

■ تفاوت در روایت آری، تناقض هرگز؟ گاهی با انتشار روایتی از دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فرد یا نهادی صحت آن روایت را به پرسش می‌گیرند، برای پاسخگویی به این پرسش‌ها و رسیدن به روایت درست به کدام مرجع می‌توان مراجعه کرد و حرف آخر را به نحوی مستند و قانع‌کننده از آن شنید؟

حسن علایی فعال: مرحله بعد از وقوع هر پدیده تاریخی «روایت کردن» آن رخداد و پدیده تاریخی، است. با روایت است که اتفاقات و رخدادها در طول تاریخ ماندگار می‌شوند تا نسل‌های بعد از درس‌ها، دستاوردها و احیاناً عبرت‌های آن واقعه تاریخی به نحو مقتضی بهره‌برداری کنند. بنابراین اگر روایت و روایتگری نباشد حوادث تاریخی در ظرف زمان خود می‌مانند و آنگاه از آنها نمی‌توانند استفاده کنند. در قرن حاضر، بعد از وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن حادثه بزرگ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، که در دل خود مشغول از هزاران هزار حادثه است، بستری مناسب برای روایتگری و تاریخ‌نگاری است. حوادثی که توجه به هر یک از آنها می‌تواند منشأ تحول و دگرگونی در ساخت‌ها و شئون مختلف باشد. چرا که تحمیل جنگی خاندانسنوز با چراغ سبز استکبار جهانی و خودکامگی رئیس حزب بعث عراق تبدیل به صحنه تقابل حق و باطل و اسلام و کفر شد. لذا جا داشته و دارد که واقعه جنگ تحمیلی، که به درستی دفاع مقدس نامیده شده است، روایتگری شود و ابعاد مختلف آن به مخاطبان و بویژه نسل‌های جدید شناسانده شود. نکته ضروری و قابل توجه در این‌باره این است که چون یک واقعه توسط افراد مختلف مورد روایتگری قرار می‌گیرد باید ببینیم که عوامل مختلفی می‌تواند «روایت» را به «روایت‌ها» برگرداند. یعنی از یک واقعه تاریخی نه یک روایت که روایت‌های گوناگونی به‌دست آید و این خود ناظر بر ذات روایتگری است. چون کسی نمی‌تواند مانع از روایت افراد مختلف شود و این افراد مختلف

تصور ما این است که کتب تاریخ شفاهی فرماندهان به بخش‌هایی از این پرسش‌ها پاسخ داده است و چنانچه مورد اختلافی با مورد خاص وجود داشته باشد باید به مراکز اسناد نیروهای مسلح و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مراجعه نمود. **محمدصادق درویشی:** در رابطه با سؤال اول باید بگویم که نباید! یعنی نه ممکن است این قضیه و نه مطلوب است اگر امکان آن هم وجود داشته باشد و نه مشروعیتی دارد که دنبال یک جایی یا نهادی و فردی باشیم که بتواند در واقع آن حرف آخر را بزند. لذا این سؤال وجود دارد بویژه در سال‌های اخیر که برخی مسائل جنگ به پرسش گرفته و بعضاً به چالش کشیده شد آیا جایی هست که مثل دیوان عالی کشور حرف آخر در این زمینه بزند؟ من احساس می‌کنم یک جایی که چنین جایگاهی داشته باشد مشروعیتی ندارد ضمن اینکه این امکان هم اساساً وجود ندارد چون مسأله تاریخ بویژه تاریخ جنگ ایران و عراق به دلیل نزدیکی و اینکه هنوز تبدیل به یک امر تاریخی ناب نشده و فرماندهان و رزمندگان و مدیران این عرصه و سیاستمدارانی که در این ماجرا نقشی داشتند هنوز وجود دارند بنابراین، این موضوع هنوز تبدیل به یک امر تاریخی نبوده و به‌نظرم آمیختگی دارد به این معنا که ما وقتی حرف از تاریخ جنگ می‌زنیم امکان این وجود داشته ولو به اشتباه برخی مسلمات تاریخ این دوره به پرسش و چالش کشیده شود حتی مورد انکار قرار گیرد، باید ببینیم که این جزو چیزهایی است که لاینفک است از تاریخ جنگ لذا جایی که حرف آخر را بزند نه جایی وجود دارد که چنین مسئولیتی داشته باشد و در عمل هم امکان آن موجود نیست. ما هم نباید برویم دنبال آن، من این نگاه را دارم و این امکان هم وجود دارد که بعضاً حتی ارزش‌هایش به چالش گرفته شود. بعضاً مسلمات تاریخ ما را از یادمان دور کردیم، چرا جنگ را در مقطعی مناسب به پایان نبردیم. چرا جنگ شروع شد حتی اینها هم به پرسش و چالش کشیده می‌شوند. من می‌گویم باید ببینیم که این بخشی از این تاریخ است. بخشی از فهم امروزین ما از تاریخ جنگ است.

■ اساساً برای روایت وقایع جنگ، آیا می‌توان قائل به مرجع خاصی بود، در صورت قائل بودن، فکرمی‌کنید آن مرجع باید در آری چه ویژگی‌هایی باشد؟
حسن علایی فعال: روایتگری حوادث جنگ را نمی‌توان به سازمان یا قشر خاصی محدود کرد. به یک معنا همه می‌توانند روایتگر حوادث و اتفاقات دوران جنگ باشند زیرا دوران جنگ هشت ساله جزئی و بخشی از تاریخ این کشور است لذا هر کس می‌تواند به روایت بخشی از آن از زاویه دید خود بپردازد اما در این بین مهم آن است که روایتگر اولاً آگاه به همه ابعاد موضوع جنگ باشد، از غلو کردن درباره حوادث جنگ اجتناب کند، وقایع جنگ را آن‌گونه که بوده روایت کند و دست‌ی در کم و زیاد کردن حوادث نبرد. برای تحقق چنین ویژگی‌هایی ضرورتاً باید سازمان‌ها و مراکز ایستند که بتوانند مطالب

چه چیزی مواد و مصالح آن جایگاه است. یعنی خود اسناد که از اهمیت زیادی برخوردارند. به این معنا که سند یعنی چه؟ و آیا سند همان چیزی است که مثلاً در یک مقطعی از جنگ در سپاه و ارتش جمع‌آوری شده و شامل طرح‌ها و نقشه‌های عملیاتی و سایر اطلاعات پیرامون عملیات‌ها و... است؟ آیا اسناد جنگ فقط اینهاست؟ من فکر می‌کنم نه، باید تفسیر موسع‌تری از اسناد جنگ داشت. بعد از آن، خود به خود می‌رسیدیم به موضوع پژوهش. از نظر من پژوهش در حوزه جنگ یعنی محققى مؤلفه‌های مختلف این حوزه، اعم از اسناد، خاطرات، روایت‌ها و آن‌ خردجمعی که در جنگ وجود داشته را با کار پژوهش به‌هم چسبانده و متصل کند تا محصولی شود که برای نسل امروز و فردای ما مورد استفاده قرار گیرد. بویژه در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی حتی اقتصادی و روابط خارجی، چرا که با پژوهش ضعف‌ها و دستاوردهای جنگ به‌دست آمده و در یک کار پژوهشی متبلور می‌شوند. البته باید توجه داشت که پژوهش در حوزه مطالعات جنگ نباید گرت‌به‌برداری و کپی‌برداری باشد، بلکه منظور از پژوهش به معنایی که در جامعه علمی مطرح است، می‌باشد. یعنی پژوهشگر به‌نوعی کشف دست‌یابد و در مسیر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری از اسناد و سایر مؤلفه‌ها خوب بهره‌برد. به‌عنوان مثال؛ همبستگی و هم عرضی جنگ با انقلاب اسلامی و معارفی که در آن دوره تبلور یافت و جنگ آنها را برجسته کرد. این موضوع با اهمیتی است که در کار پژوهشی باید مدنظر قرار گیرد، زیرا با موضوع جنگ و ارزش‌های دفاع مقدس عجین است. از سوی دیگر با ارزش‌های تاریخی ما در پیوند عمیق است که همان روحیه استقلال‌خواهی و آزادی‌طلبی ایرانیان است. ما وقتی از دفاع مقدس سخن

در حال حاضر متولی خاصی ندارد و مراکزى که اسناد جنگ را در اختیار دارند بر اساس ملاحظات خودشان تعاملاتی با برخی نویسندگان و پژوهشگران بویژه پژوهشگران طرف قرارداد خود دارند. **عباس پایرامی:** قطعاً متولی امر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس است. بنیاد براساس نامه‌ای که در عالی‌ترین سطح نظام مورد تأیید قرار گرفته، می‌بایست موضوعات مختلف دفاع مقدس را جهت حفظ و حراست و جلوگیری از تحریف مدیریت نماید. در خصوص اسناد هم، بنیاد اسناد موجود خود را که بسیار ارزشمند است در آینده در اختیار نویسندگان عزیز قرار خواهد داد. البته این به این معنی نیست که این اسناد مکتوم نگه‌داشته شده است، اکنون هم نویسندگان به آن دسترسی دارند ولی برای دسترسی آسان‌تر از طریق سامانه‌های الکترونیکی در دست اقدام است. **محمدصادق درویشی:** من به‌عنوان پژوهشگر نسل بعد از جنگ، با مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس که مسئولیت روایتگری رسمی لایه‌های درونی صحنه نبرد را برعهده دارد و ذیل دفتر سیاسی سپاه بوده، کار می‌کنم. کار پژوهشی و تحقیقی، من خودم ارتباط خوبی دارم، آنجا هم اسناد بسیار خوبی هست، با وجود این فکر می‌کنم به این مرکز و سایر سازمان‌هایی که در جاهای مختلف که در این حوزه فعالیت دارند، یک نقد جدی وارد است و آن اینکه؛ هیچ یک از این مراکز و نهادها نتوانستند آن‌طور که باید، میان اسناد و محتوایی که در اختیار دارند با مخاطبان ارتباط برقرار و له‌جای محتوایی و معرفت‌شناسی به‌مخاطب عام عرضه کنند. زیرا این سازمان‌ها معمولاً بسته عمل کرده و می‌کنند. برای همین این‌گونه مراکز، آن مرجعیتی را که انتظار می‌رود جست‌وجوگران برون‌د برای اینکه

بسیاری از اسناد جنگ در پشت جبهه‌های جنگ و نزد مردم و خاطراتش در سینه‌های مردم است. البته بخش عمده اسناد عملیات‌های نظامی علی‌القاعده در اختیار نهادهای نظامی است که به صلاحدید مراکز تصمیم‌گیر نظامی در زمان لازم چه‌بسا در اختیار همگان قرار خواهد گرفت، هر چند بخش عمده این اسناد قابل بهره‌برداری از سوی عموم مردم نخواهد بود. **عباس پایرامی:** من تعبیر انحصار را نمی‌پذیرم. انحصاری در کار نیست، بلکه به جهت برخی از ضرورت‌ها به صورت عام در دسترس نبوده است. ما اکنون صداها کتاب تحلیلی، توصیفی و... داریم که از همین اسناد بهره برده‌اند، پس انحصاری نیست. به امید خدا بزودی به صورت آسان‌تر در اختیار قرار می‌گیرد. **محمدصادق درویشی:** فکر می‌کنم خوب است کلیه مراکز و نهادهایی که اسناد جنگ را در اختیار دارند، اسنادشان را در معرض دید و استفاده عموم بگذارند و به جای اینکه متولی باشند، تسهیلگر باشند. یعنی به‌منظور دسترسی نسل جنگ و بعد از جنگ همچنین؛ محققان، روزنامه‌نگاران و سایر جست‌وجوگران به ارائه خدمات سهل بپردازند. من یقین دارم در صورت تحقق چنین شرایطی، کتاب‌های خوبی در ارتباط با جنگ نوشته خواهد شد. زیرا یکی از زمینه‌های تولید اثر خوب، دسترسی به منابع با شرایط سهل برای همه علاقه‌مندان و محققان بوده و اساساً برای ورود به مراحل بعدی، یعنی تولید ادبیات داستانی و سایر محصولات فرهنگی در دسترس داشتن داده‌های خام در ارتباط با جنگ است. بر این اساس در صورت تسهیل‌گری خدمات و اجتناب از تعیین ضوابط محدودکننده متولی بودن این مراکز خوب و مفید خواهد بود و در غیر این صورت خیر.



محمدصادق درویشی: پژوهش در حوزه جنگ یعنی محققى مؤلفه‌های مختلف این حوزه، اعم از اسناد، خاطرات، روایت‌ها و آن خردجمعی که در جنگ وجود داشته را با کار پژوهش به‌هم چسبانده و متصل کند تا محصولی شود که برای نسل امروز و فردای ما مورد استفاده قرار گیرد. بویژه در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی حتی اقتصادی و روابط خارجی، چرا که با پژوهش ضعف‌ها و دستاوردهای جنگ به‌دست آمده و در یک کار پژوهشی متبلور می‌شوند.

عباس پایرامی: موضوع پژوهش در همه عرصه‌ها خصوصاً وقایع دفاع مقدس از بهترین روش‌ها برای ماندگاری و مانایی این واقعه مهم تاریخی است. کارهای پژوهشی مستحکم، مقوم و دارای تکیه‌گاه سند است لذا پرداختن به کار پژوهشی بسیار بااهمیت است. پژوهشگران تاریخ جنگ بیشترین خدمات را به این دوره تاریخی مشعشع می‌نمایند

حسن علایی فعال: نکته ضروری و قابل توجه در این‌باره این است که چون یک واقعه توسط افراد مختلف مورد روایتگری قرار می‌گیرد باید ببینیم که عوامل مختلفی می‌تواند «روایت» را به «روایت‌ها» برگرداند. یعنی از یک واقعه تاریخی نه یک روایت که روایت‌های گوناگونی به‌دست آید و این خود ناظر بر ذات روایتگری است

بر این اساس بعد از گذشت چهار دهه اسناد باید از انحصار نهادهای نظامی خارج و در اختیار عموم گذاشته شود. در واقع اسنادی که در زمان جنگ از سوی سپاه تهیه شده دسترنج بچه‌هایی است که باوجود میل باطنی، اسلحه را زمین گذاشته و اسلحه بزرگ‌تری را به نام قلم، ضبط و.. در دست گرفتند؛ برای اینکه تاریخ را برای نسل‌های بعدی تدوین و ثبت و ضبط کنند. آنان این اسناد و وقایع جنگ بی‌علاقه باشد و خون این شهدا و تلاشی که کردند برای این بود که نسل‌های بعد روایت‌های آنان را از جنگ برداشت‌های شخصیت‌ها و... ببینند و حقایق جنگ را فهم نمایند. من یقین دارم بدون درآوردن، چرا که برای تهیه این اسناد فرزندان همین مردم شهید شده و اجتماعی ما صرف‌جا شده است. پس باید همه علاقه‌مندان و جست‌وجوگران بتوانند با سهولت به مسائل تاریخی این دوره از طریق اسناد دست‌یابند و در انحصار گرفتن اسناد توسط یک مرکز و سازمان توجیه ندارد.

پاسخ پرسش‌هایشان را پیدا کنند، محققان، پژوهشگران، علاقه‌مندان حتی با این انگیزه که می‌خواهند از یک موضوعی سردر بیآورند، بروند راجع به ادامه جنگ اسنادی در اختیارش قرار گیرد تا مطالعه کنند، نبوده است. این یعنی بسته عمل کردن و این‌گونه مراکز بیشتر ترجیح می‌دهند با پژوهشگران خودشان یا با کسانی که خودشان تشخیص می‌دهند کار کنند و این یک نقص است. این باعث می‌شود جامعه به هر حال نسبت به تاریخ و وقایع جنگ بی‌علاقه باشد و پرسشگری پیرامون وقایع جنگ آن‌گونه که باید در جامعه شکل نگیرد و نسل جوان به آماده‌خوری عادت کند. روحیه تحقیق و جست‌وجو وقتی ایجاد می‌شود که افراد عادی هم بتوانند به سهولت اسناد را ببینند و سند و محتوا در دسترس باشد. لذا این سازمان‌ها و مراکز نتوانستند فضایی خلق کنند که افراد جامعه همچون سایر حوزه‌های فکری- تاریخی بروند و طلب دانش و دانسته کنند. همه اسناد جنگ در اختیار سازمان‌ها و مراکز رسمی نیست

■ بعد از گذشت ۴ دهه از پایان جنگ تحمیلی آیا زمان انتشار اسناد جنگ و خروج آن از انحصار نهادهای نظامی فرارن رسیده است؟
حسن علایی فعال: اینکه بگویم همه اسناد جنگ انحصاراً در اختیار نهادهای نظامی است، درست نیست چون همه جنگ که در خطوط مقدم جنگ نبوده است، بلکه

می‌گویم بادمان باشد که این موضوع ذیل مردمی مطرح است که می‌خواهند روی پای خودشان بایستند و برای تحقق این خواسته، انقلابی تاریخی کرده‌اند. بنابراین کار پژوهشی برای جنگ باید برآیند همه مؤلفه‌های تأثیرگذار باشد و در این صورت است که می‌توان گفت پژوهش از جایگاه والایی برخوردار است. **■ تعامل سازمان‌هایی که اسناد دفاع مقدس را در اختیار دارند با نویسندگان و پژوهشگران مستقل که در رصد تألیف و تولید اثری پژوهشی هستند، چگونه است؟ آیا پدیدآورندگان اثر در این حوزه می‌توانند بدون هیچ تبعیضی دسترسی به منابع اسنادی داشته باشند؟**
حسن علایی فعال: باید اذعان کرد که تعامل بین پژوهشگران و نویسندگان با سازمان‌ها و مراکزى که اسناد دست اول جنگ را در اختیار دارند، بسیار کم است و این نقیصه باید برطرف شود. امروزه گام‌های مؤثری از سوی برخی از مراکز تحقیقاتی و اسنادی که اسناد دوران جنگ را در اختیار دارند برای واگذاری اسناد به نویسندگان و پژوهشگران برداشته شده است اما کافی نیست. تا آنجا که اطلاع دارم مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه طی سالیان گذشته آمادگی خود را برای واگذاری اسناد مورد نیاز نویسندگان و پژوهشگران اعلام کرده است اما به دلیل اطلاع‌رسانی ضعیف، خیلی از نویسندگان و پژوهشگران از این موضوع اطلاع ندارند.